

تاویل قرآن در مکتب تفکیک

عباس همامی^۱
حامد علی اکبرزاده^۲

چکیده

مکتب تفکیک که نشأت گرفته از تفکرات مرحوم میرزاهدی اصفهانی و نظائر اوست، با تعریفی که از تاویل قرآن ارایه می‌دهد، تاکید دارد که فهم این تاویل‌ها منحصر به معصومین (ع) است و عملاً هیچ امکان و جوازی برای دیگران در تاویل قرآن مگر در شرایط بسیار خاص وجود ندارد. بر اساس این دیدگاه تاویل‌های سایر مفسران و دانشمندان به ویژه فلاسفه و عرفا مطلقاً باطل است و نباید به ورطه خطرناک تاویل قرآن نزدیک شد. به عقیده تفکیکیان تاویل برای همه آیات قرآن است، نه فقط آیات متشابه و برای فهم آن چاره‌ای جز رجوع به احادیث وجود ندارد. این مقاله به بررسی و نقد دیدگاه‌های این مکتب پیرامون تاویل قرآن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تاویل، مکتب تفکیک، قرآن، تفسیر، متشابه

۱- مقدمه

مکتب تفکیک نامی است که محمدرضا حکیمی برای تفکری خاص که در میان اساتید و همفکرانش به ویژه در حوزه مشهد رواج داشته، انتخاب کرده است و البته دیگران این مکتب را مکتب معارفی خراسان، مکتب مشهد و... نیز خوانده‌اند. این مکتب به واقع از تفکرات مرحوم میرزای مهدی غروی اصفهانی نشأت گرفته و به مرور توسط شاگردان و پیروان وی تکمیل و معرفی شده است. به گفته پیروان تفکیک هدف این مکتب نابسازی و

۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲- فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲۴ / پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره نهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)

خالص مانی شناخت‌های قرآنی و سره فهمی این شناخت‌ها و معارف است، به دور از تاویل و مزج با افکار و نحله‌ها و برکنار از تفسیر به رای و تطبیق، تا حقایق وحی و اصول علم صحیح مصون ماند و با داده‌های فکر انسانی و ذوق بشری - مثل فلسفه و عرفان - در نیامیزد و مشوب نگردد. (حکیمی، ۵۷)

این مکتب از آن رو تفکیک نام گرفته که پیروان آن معتقدند بایستی بین معارف فلسفی و عرفانی و معارف وحیانی تفکیک و جدایی قائل شد. بدین معنی که عرصه سلوک و معرفت، فلسفه و عرفان یک مسیر و قرآن و معارف وحیانی راهی دیگر را می‌پیمایند. اینان معتقدند که اگر چه نام تفکیک نامی تازه است لیکن مبانی و اصول آن به صدر اسلام می‌رسد و این اعتقاد که حقایق دینی راستین و معرفت صحیح همان است که در قرآن کریم - و احادیث معصومان (ع) - آمده، به وسیله پیامبر اکرم (ص) و سپس اوصیای آن حضرت - یعنی معصومان (ع) - تعلیم داده شده است و این نظریه همان جریان ایمان به وحی و کتاب و سنت در بستر تاریخ اسلامی از صدر اسلام تا کنون است.

تفکیک، آن جهان‌بینی و نظام شناختی و دستگاه فکری و عقلی است که میان مفاهیم و اصطلاحات بشری یا ممتاز از سویی، و معارف الهی و آسمانی (متخذ) از کتاب و سنت از سوی دیگر تفاوت قائل است و فرق می‌گذارد. تفکیک، سه جهان‌بینی فلسفی، عرفانی و وحیانی را در حد هم و عین هم نمی‌شناسد و معتقد است که تاویل و انطباق دادن (تطبیق) به زبان مبانی وحی و معارف قرآن است، چرا که استقلال و خودبسندگی قرآن و سنت را مخدوش می‌سازد. (همو، ۵۴۴)

۲- ضرورت بازشناسی دیدگاه مکتب تفکیک درباره تاویل

مکتب تفکیک در رابطه با تاویل و به ویژه تاویل قرآن مباحثی را مطرح کرده است که بازشناسی و بررسی و نقد این نظرات لازم و ضروری به نظر می‌رسد، لیکن تا کنون در این خصوص اثر جامعی تدوین نشده و محققان و پژوهشگران عموماً در کنار پرداختن به

تاویل قرآن در مکتب تفکیک / ۲۵

سایر نظریات تفکیکیان، گاه به مساله تاویل در مکتب تفکیک پرداخته‌اند که البته در اکثریت قریب به اتفاق این آثار، مساله تاویل، به تفصیل بازشناسی و تحلیل نشده است و به نوعی از این مساله مهم که یکی از مبانی مکتب تفکیک در فهم متون دینی - به ویژه قرآن - است، غفلت شده است.

در این بین آثاری هستند که بیش از سایرین به مساله تاویل در مکتب تفکیک توجه داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به «نقد گونه‌ای بر مکتب تفکیک در زمینه تفسیر قرآن» اثر محمدمهدی مسعودی اشاره کرد که در فصلنامه مشکوه شماره ۹۸ به چاپ رسیده است. «مبانی فهم متون دینی از نگاه مکتب تفکیک» اثر محمدرضا ارشادی نیا که در شماره ۲۱ و ۲۲ فصلنامه پژوهش‌های قرآنی به چاپ رسیده و همچنین «نگاهی به علوم قرآنی بر اساس تفسیر مناهج البیان» اثر حمید سلیم گندمی که در شماره اول مجله سفینه چاپ شده، از دیگر آثار مرتبط با موضوع هستند. البته پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد و بررسی مبانی و روش تفسیری مناهج البیان» که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه قم توسط علی‌نقی خدایاری تدوین شده نیز یکی از آثار مرتبط است که به بررسی و نقد دیدگاه‌های مهمترین مفسر مکتب تفکیک یعنی مرحوم محمداقرملکی میانجی پرداخته است.

۳- نگاهی کلی به جایگاه تاویل در مکتب تفکیک

مکتب تفکیک به طور کلی مخالف تاویل - به ویژه تاویل‌های فلسفی و عرفانی - است و به ویژه در عرضه فهم معانی متون دینی و قرآن نیز به طور خاص هیچ گونه تاویلی را بر نمی‌تابد، مگر در شرایط خاص و طبق ضوابطی که عمدتاً بر مبنای برخی روایات و احادیث به آن رسیده‌اند. تفکیکیان اظهار می‌دارند که منظورشان از تاویل حرام و غیر جایز، تاویل‌های عرفانی و فلسفی و یا هر گونه تاویلی است که حاصل فکر و برداشت ذهنی و عقلی انسان باشد. به عقیده بزرگان تفکیک بدترین نتیجه‌ای که از مزج معارف آمده است، همانا تاویل حقایق الهی است، در حالی که کلام الهی در همه ابعاد کامل است و

حاشا از ساحت قرآن که باطن آن حق باشد و ظاهر آن موافق باطن نباشد، ضمن اینکه اساسا تاویل کار درستی نیست و باید ماهیت رای هر صاحب رای و اندیشه هر صاحب اندیشه‌ای باکمال دقت تعیین گردد و حدود حقیقی آن - برحسب ملاک‌های علمی - مرزبندی شود و در محدوده خود، با تحفظ دقیق به آن محدوده تبیین یابد. (همو، ۵۴۳)

۴- مفهوم تاویل قرآن

با کنکاش در آثار علمای تفکیکی می‌بینیم که اینان معتقدند که تاویل، مدلول کلامی و مفهومی الفاظ است که از رهگذر آن متکلم قصد تفهیم مخاطب را دارد. (ملکی میانجی، ۱۲۴) و این تعریف شاید بهترین و کامل‌ترین تعریفی است که از مفهوم تاویل در مکتب تفکیک ارایه شده است. در برخی از آثار اینان در رابطه با مفهوم تاویل، تنها به این مساله بسنده شده است که طبق روایات، آیات قرآن نه تنها ظاهرا بلکه باطنی دارند و این بطون، مقام بیان مصادیق و حکایت داستان‌ها و پرده برداشتن از واقعیاتی است که پس از مقام تنزل می‌آیند و قرآن حکایت‌گر آنهاست و این همان جریان قرآن و زنده بودن آن است. ضمن اینکه از سوی دیگر جهان آفرینش لایه‌های مختلفه پیوسته با یکدیگری دارد که یک لایه آن حوادث ظاهری به هنگام نزول آیه می‌باشد که قابل مشاهده با چشم ظاهر است، اما لایه‌های دیگری نیز وجود دارد که جز با تعلیم از معلمان و پرسش از آگاهان دانشمند به دست نمی‌آید و این همان تاویل قرآن است که بیان‌کننده دانش‌ها و حقایق پوشیده‌ای است که به منزله بطن قرآن محسوب می‌شوند. (اصفهانی، ۹۴)

در کنار تعریفی که به عنوان دقیق‌ترین تعریف از مفهوم تاویل در مکتب تفکیک معرفی شد، اینان اظهار داشته‌اند که واژه «اول» همان رجوع است و از این باب است که گفته می‌شود «آل الامر الی کذا»؛ کار به سوی فلان چیز بازگشت. بنابراین در این دیدگاه تاویل کلام از افراد و مصادیق تاویل عام لغوی است و نهایت آنکه مآل هر چیزی متناسب با خود آن است.

تاویل قرآن در مکتب تفکیک / ۲۷

اینان به نقد دیدگاه سایر مفسران درباره مفهوم تاویل نیز پرداخته‌اند. به عنوان مثال مرحوم علامه طباطبایی در این خصوص می‌گوید: « تاویل از مفاهیمی نیست که مدلول الفاظند، بلکه تاویل از امور عینی و خارجی است و اتصاف آیات بر داشتن تاویل از باب وصف به حال متعلق (به فتح لام) است.» (طباطبایی، ۲۹/۲) صاحب تفسیر المنار نیز درباره تاویل اظهار می‌دارد: « واژه تاویل در قرآن وارد نشده، مگر به معنای امر عملی که در آینده تصدیق برای خبر یا رویارویی خواهد بود. یا عملی غامض و دشوار که چیزی در آینده با آن مورد قصد و هدف قرار خواهد گرفت، بنابراین آیه هفت سوره آل عمران را باید به این معنا تفسیر کرد و نباید تاویل را در این آیه به معنای مصطلح قدمای مفسرین که تفسیر و تاویل را به یک معنا می‌دانند، حمل کرد...» (رشید رضا، بی‌تا، ۳/۱۷۴) در نقد این دو نظریه، مرحوم ملکی میانجی از علمای تفکیکی تصریح می‌کند این یک مساله اثبات شده است که لفظ در یک معنا، دلالت دارد که آن مورد از مصادیق معنای لغوی آن لفظ است، یا از مواردی است که لفظ با نوعی تجوز و یا با عنایتی ویژه در آن به کار رفته است. بنابراین نمی‌توان استظهار معنایی در یک مورد از موارد کاربرد واژه تاویل در قرآن را دلیلی دانست بر این که در سایر موارد نیز به همین معنا به کار رفته است. (ملکی میانجی، ۱۴۰)

۵- تفاوت تاویل و تفسیر

در این دیدگاه تفسیر از لحاظ تفهیم و تفاهیم به مراد و هدف مورد نظر گوینده نزدیکتر است و تاویل در مرتبه‌ای پس از تفسیر قرار دارد، یعنی مرتبه‌ای که جایگاه مآل سخن و مرجع نهایی آن است. بر این اساس تاویل کلام از افراد و مصادیق تاویل عام لغوی است و مآل هر چیزی متناسب با خود آن است، برخلاف تفسیر که در لغت عبارتست از پرده برداشتن و آشکار ساختن و منطبق است بر کلامی که مراد سخن دیگر را روشن می‌کند و آن را توضیح می‌دهد. به عنوان مثال تقیید مطلق با دلیل دیگر و تخصیص عام با قرینه منفصل، یک روند تفسیری است، نه تاویلی. در مواردی هر یک از واژگان تاویل و

تفسیر به خاطر وجود مناسبت یا با عنایت ویژه بر دیگری اطلاق شده است. اگر شیوه و عادت گوینده تکیه بر قرائن و قیود منفصل باشد، تکیه و تاکید بر مطلق و عام جایزه نبوده، لازم است، مواضع و مظان وجود آن قرائن، مورد بحث و فحص کامل قرار گیرد. (همو، ۱۲۵-۱۲۶)

۶- جواز تاویل قرآن

به عقیده تفکیکیان تاویل قرآن غیر از مواردی خاص، هرگز جایز نیست. به ادعای تفکیکیان، این مکتب اساساً ضد تاویل به ویژه در عرصه قرآن و روایات است و در برخورد با آیات و روایات، بایستی ابتدا چندان در آیات و روایات دیگر تفحص کرد تا معنای ظاهر یک آیه یا روایت کشف شود و نیازی به تاویل نیافتد. ضمن اینکه تاویل باید در موارد ضروری باشد، یعنی در جایی که چاره‌ای نیست و نباید تاویل به یک قاعده تبدیل گردد. علاوه بر این معنای تاویلی باید متناسب با فضای قرآنی و در محدوده آن باشد و نباید با پیش داوری و ذهن پیش ساخته فلسفی و عرفانی به سراغ معارف و حیانی رفت.

به نظر این گروه تنها هنگامی می‌توان ظاهر آیه‌ای را تاویل کرد که برهانی بدیهی در مقابل آن اقامه شود، نه برهان نظری، زیرا ممکن است در مقابل برهان نظری، برهان نظری مخالفی ابراز شود. (حکیمی، ۱۳۲) چرا که برهان بدیهی منتج از عقل فطری است و در مکتب تفکیک تنها عقل فطری حجیت دارد. ضمن اینکه این گروه همچنین معتقدند، تاویل، ابطال حجیت ظواهر است که این - حجیت ظواهر = اساس تفهیم و تفاهم بشری و ملاک فهم وحی الهی است و این ابطال جایز نیست مگر آنچه از معصومان (ع) به طرق معتبر رسیده و - خلاف ظاهر - باشد و این دومین حالتی است که تاویل قرآن جایز خواهد بود، چرا که آنان، هم دانای تنزیل‌اند و هم دانای تاویل و روایات تاویلی برخلاف ظواهر آیات از معصومین (ع) بسیار نقل شده است.

تاویل قرآن در مکتب تفکیک / ۲۹

به عقیده تفکیکیان علاوه بر روایاتی که در منع از تاویل قرآن به وسیله مردم عادی نقل شده است، یکی دیگر از ادله ممنوعیت تاویل قرآن توسط غیر معصوم، محدود بودن عقل و عدم توانایی آن در شناخت همه حقایق است که در این رابطه اختلاف بین اهل عقل نیز بهترین گواه خواهد بود.

۷- شمول تاویل بر همه آیات قرآن

این گروه معتقدند، تاویل فقط مختص آیات متشابه قرآن نیست، بلکه همه آیات قرآن اعم از محکم و متشابه تاویل دارد و روایات و آیات، دال بر این مساله هستند. ضمن اینکه هیچ فرقی بین تاویل قرآن و تاویل متشابه آن، از حیث احکام و آثار مترتب بر حقایق تاویل وجود ندارد، هرچند از لحاظ تحقق بین آنها تفاوت هست. تاویل محکمت و نصوص و ظواهر قرآن پس از فراغ از کاشف بودن آنها از معانی مورد نظر است، برخلاف آیات متشابه که ظواهر آنها مورد نظر نبوده، واژگان آنها در صورت ورود بیان و توضیح از خارج در معنای تاویلی، ظهور پیدا می‌کند، (ملکی میانجی، ۱۲۴)

در اثبات اینکه همه آیات قرآن تاویل دارند دو دسته ادله اقامه شده است:

۱-۷- آیات

آیه هفت سوره آل عمران ظهور در این مطلب دارد، زیرا اقتضای سیاق آیه رجوع ضمیر در «تاویله» به «کتاب» است نه «متشابهات» و گواه این مطلب «يقولون آمنّا به کل من عند ربنا» است که ضمیر در آن به کتاب برمی‌گردد، نه متشابهات.

در سوره اعراف می‌خوانیم: «ولقد جئناهم بكتاب فصلناه علی علم هدی و رحمه لقوم یومنون . هل ینظرون الا تاویله یوم تاتی تاویله» (الاعراف، ۵۳ و ۵۲) در این آیه ضمیر در «تاویله» به «کتاب فصلناه» برمی‌گردد.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: «ان للقرآن تاویلا فمنه ما قد جاء منه و منه مالم یجیء فاذا وقع التاویل فی زمان امام من الائمة عرفه امام ذلک الزمان». (مجلسی، ج ۹۲، ۹۷)

همچنین در روایت دیگری از امام علی (ع) نقل شده است: «ما نزلت علی رسول الله آیه من القرآن الا اقرانها و املاها علی و کتبتها بخطی و علمنی تاویلها و تفسیرها و ناسخها و منسوخها و محکمها و متشابهها». (صدوق، ۲۸۴/۱)

۸- عالمان به تاویل قرآن

در دیدگاه تفکیک، تنها عالمان به تاویل قرآن، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) هستند و هیچ کس غیر از این بزرگواران حق ندارد که پای به عرصه خطرناک تاویل قرآن بگذارد. (حکیمی، ۱۲۸)

به اعتقاد اینان، کسی که ادعا کند همه جوانب و علوم و تنزیل و تاویل و ظهر و بطن و احکام و معارف قرآن را فراگرفته است، دروغگو و افترا زن است و در این مدعا کسی جز اوصیای پیامبر صادق نیستند، چرا که آنها این معارف را به جمیع جهات یکی پس از دیگری به ارث برده‌اند و مردم چاره‌ای ندارند غیر از تعلیم و اخذ علم تاویل از سوی خدا و اوصیانش. (ملکی، میانجی، ۳۶/۱)

البته این گروه برای اثبات این سخن خویش به همان ادله‌ای که در بحث جواز تاویل قرآن به آنها اشاره شد - یعنی آیات و روایات - استناد می‌کنند.

بر اساس این تفکر، افراد عادی در قبال دانستن و فراگیری تاویل قرآن هیچ گونه مسئولیتی ندارند چرا که تاویل آیات خارج از محدوده دلالت‌ها و آموزش‌های معمول قرآن و تنها برای راسخان در علم امکان پذیر است. ضمن اینکه برای دستیابی به تاویل قرآن هیچ گونه دلیل و راه و روش عقلایی معتبر - از قبیل ظواهر الفاظ - وجود ندارد و

تاویل قرآن در مکتب تفکیک ۲۱

تفکر و تدبر برای فهم تاویل هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت و مدعای رسوخ در علم نیز از کسی پذیرفته نیست مگر اینکه از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) فراگرفته باشد.

علمای تفکیکی در رابطه با آیه ۷ سوره آل عمران که مهمترین آیه پیرامون بحث تاویل قرآن است، معتقدند که آیه مربوطه، در مقام اثبات حصر علم تاویل برای خداوند متعال نیست، بلکه ظاهراً در پی نفی استقلال و تفویض از راسخان است، یعنی همانطور که خداوند پاره‌ای از افعال دیگر را به واسطه اسباب و علل ایجاد می‌کند، در تاویل قرآن نیز تاویل کنندگان باید از جانب خدا ماذون باشند. بنابراین تفاوت نمی‌کند «او» در جمله «والراسخون فی العلم» برای عطف یا استیناف باشد، چرا که بر این اساس اگر «او» برای عطف باشد، معنا چنین می‌شود: خدا و راسخان در علم، تاویل قرآن را می‌دانند نه عموم مخاطبان قرآن و در صورت استیناف، چنین معنا می‌دهد: تنها خداوند تاویل قرآن را بالاستقلال می‌داند. در این صورت برای اثبات دانش غیر خدا به تاویل، نیاز به دلیل دیگری از جای دیگر خواهد بود و با توجه به ادله موجود از منابع دینی این موضوع تنها در خصوص راسخان در علم ممکن و محقق است و راسخان در علم بنا بر روایات فقط اهل بیت (ع) هستند و تنها راه یادگیری تاویل قرآن مانند احکام، تعبد نسبت به آنهاست.

۹- نمونه‌هایی از تاویل‌های باطل

مکتب تفکیک به اغلب تاویلات عرفانی و فلسفی انتقاد دارد و آنها را مصداق تاویل باطل می‌داند. مثلاً ملاعبدالرزاق کاشانی واژه «حمار» را در آیه شریفه «وانظرالی حمارک» (البقره، ۲۵۹) به بدن حضرت عزیر (ابن عربی، ۱/۱۴۷) و مفاهیم صفا و مروه را به ترتیب به قلب و نفس آدمی تاویل می‌کند. (همانجا، ۱۰۰) در آیه شریفه «وامالجدار فکان لغلامین یتیمین فی المدینه» (الکهف، ۸۲) دو غلام را به عقل نظری و عقل عملی و یتیم بودنشان را جدا شدن از پدرشان که روح القدس باشد، معنا می‌کند. (همانجا، ۲۷۳)

ابن عربی در فصّ هارونی از کتاب فصوص الحکم، در تاویل جریان قرآنی گوساله پرستی بنی اسرائیل گفته است: «موسی به موضوع گوساله پرستی داناتر از هارون بود. عتاب موسی نسبت به برادرش هارون به این دلیل بود که وی سعه صدر نداشته و گوساله پرستی را انکار کرده است. زیرا عارف کسی است که خدا را در همه چیز بلکه عین همه چیز می‌بیند، بدین ترتیب، موسی هارون را تربیت علمی کرد». (قیصری، ۴۳۶)

۱۰- نقد و تحلیل

۱۰-۱- در رابطه با مفهوم تاویل اقوال مختلفی مطرح شده است، لیکن قول مختار، در این پژوهش، بدین شرح است: «انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای که در مورد خاصی نازل شده است» (معرفت، ۲۴/۱) چرا که از تاویل به این معنا گاهی به «بطن» یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه بدست نمی‌آید هم تعبیر شده است، در مقابل «ظهر» یعنی معنای اولیه‌ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن معنا را می‌فهماند. این معنای تاویل دامنه‌ای بس گسترده دارد و همین معناست که ضامن عمومیت قرآن است و موجب می‌شود قرآن شامل تمام زمان‌ها و دوران‌ها و جاوید باشد، زیرا اگر مفاهیم برگرفته شده از موارد خاص نباشد و آیه، مختص همان مورد شان نزول باشد، بسیاری از آیات قرآن بی‌ثمر می‌شود و فایده‌ای جز ثواب تلاوت و ترتیل نخواهد داشت.

البته تاویل در قرآن بر سه معنا به کار رفته است:

الف) توجیه ظاهری لفظ یا عمل متشابه به گونه‌ای که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد که مصداق تاویل به این معنا در متشابه قولی، آیه «فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله» (آل عمران، ۷) و در عمل متشابه، جریان مصاحب موسی می‌باشد: «سأتیئک بتاویل مالم تستطع علیه صبرا». (الکف، ۷۸)

ب) تعبیر خواب، که به این معنا هشت بار در سوره یوسف - آیات ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷،

۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱ آمده است. مثل «ولنعلمه من تاویل الاحادیث». (یوسف، ۲۱)

تاویل قرآن در مکتب تفکیک / ۲۳

ج) فرجام و حاصل کار، بر این اساس تاویل یک موضوع یعنی آنچه که آن موضوع بدان منتهی می‌شود. مثل «وزنوا بالقسطاس المستقیم، ذلک خیر و احسن تاویلا» (الاسراء، ۳۵) و «هل ينظرون الا تاويله يوم ياتي تاويله» (الاعراف، ۵۳). (ر.ک، معرفت، ۲۵/۱ و ۲۴) می‌بینیم که معنای اراده شده از تاویل در مکتب تفکیک ضمن اینکه دقیق و روشن نیست، نمی‌تواند تمامی حدود و گستردگی مفهوم تاویل را در برگیرد و از همین رو تاویل آیات قرآن - حداقل در عرصه نظری - در این دیدگاه بسیار محدود خواهد بود و حتی تاویل‌هایی که با اصول عقلانی و صحیح صورت پذیرد، به دایره تاویل‌های باطل منتقل خواهد شد.

۱۰-۲- در خصوص تفاوت دو واژه تاویل و تفسیر به طول کلی باید گفت که این دو واژه از الفاظی بوده‌اند که همچون فقیر و مسکین قاعده «اذا اجتماعا افترقا و اذا افترقا اجتماعا» درباره آنها جاری است، یعنی اگر این دو کلمه با هم به کار می‌رفتند، هر کدام معنی خاص خود را داشت (که تفسیر بیشتر مربوط به درک مفهوم قرآن به وسیله نقل و تاویل بیشتر مربوط به فهم قرآن به وسیله عقل بوده) و گرنه اگر به تنهایی به کار می‌رفتند، معمولا هر کدام، مفهوم هر دو کلمه را در برداشت. البته اینکه این دو واژه امروزه به چه معنایی به کار می‌روند تابع استعمال عرف متشرعه است، زیرا مسلما این دو واژه امروزه در معنای وضعی و لغوی خود به کار نمی‌روند. (همامی، ش ۲، ۹۶)

ضمن اینکه بین دانشمندان فعلی و معاصر نیز می‌بینیم که اختلاف نظرهایی در باب تفاوت واژه تاویل و تفسیر وجود دارد.

۱۰-۳- علمای تفکیک در رابطه با جواز تاویل قرآن دو گروه‌اند: عده‌ای تاویل قرآن را فقط در صورت وجود روایت یا حدیث جایز می‌دانند، اما عده‌ای دیگر اقامه برهان بدیهی در برابر ظاهر آیه را نیز، محل جواز تاویل دانسته‌اند، بنابراین نخستین مساله عدم اتفاق نظر در حوزه جواز تاویل قرآن در بین تفکیکیان است. به نظر می‌رسد تاویل قرآن برای غیر معصوم نیز جایز است البته به شرطی که نظر تاویل‌کننده در تعارض و تناقض با

قول معصوم و اصول و مبانی دینی و خارج از روش صحیح تاویل نباشد. برای روشن شدن مطلب باید گفت که اولاً آیه هفت سوره آل عمران که مهمترین دلیل مخالفان جواز تاویل برای غیر معصوم است، بیانی است در مقابله با کسانی که به انگیزه فتنه جویی درصدد قرآن را منحرفانه تاویل کنند. در حالی که معنای درست آن را نیز می‌دانند، مانند گروهی از اهل کتاب که خداوند در باره آنها می‌فرماید: «یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون» (البقره، ۷۵) در آیه هفت آل عمران نیز از واژه «ابتغاء الفتنة» استفاده شده که این یعنی تاویل کنندگان خود نیز می‌دانستند که تاویل‌شان با مراد خداوند مغایر و متناقض است. با عنایت به این که در قرآن آمده است: «کسی جز خدا تاویل آن را نمی‌داند» (آل عمران، ۷) یعنی این کلام خداست و بدیهی است که معنای آن نیز همان است که خدا اراده کرده، نه آنچه شما می‌گویید. در مقابل این گروه، راسخان در علم، به تاویل واقعی قرآن گردن می‌نهند و در برابر اراده خدا - که بدان آگاهند - سخن دیگری نگفته، راه حق را کج نمی‌کنند.

قرآن برای هدایت مردم آمده و تحقق این امر جز با فهم آن میسر نیست، بنابراین حصر در «الا الله» حصر اضافی است نه حقیقی. حصر حقیقی آن است که چیزی به امری اختصاص یابد، به نحوی که در غیر آن مطلقاً یافت نشود، مانند حصر الوهیت در خداوند در «لا اله الا الله»، اما حصر اضافی آن است که اختصاص چیزی به امری، تنها در مقایسه با مورد یا موارد خاصی باشد، مانند این که راجع به زید در مقایسه با افراد هم کلاس او گفته شود: کسی جز زید شجاع نیست. لذا عبارت «الا الله» با علم دیگران به تاویل منافاتی ندارد.

ثانیا، بنابراین که حصر در آیه مورد بحث، حصر حقیقی باشد، با این مطلب منافاتی ندارد که خداوند تاویل قرآن را به پیامبرش و حتی اهل بیت (ع) تعلیم دهد، چنان که در قرآن درباره پیامبر آمده است: «وعلمک ما لم تکن تعلم» (النساء، ۱۱۳) و روایات فراوانی درباره علم اهل بیت (ع) به تاویل قرآن وارد شده است.

تاویل قرآن در مکتب تفکیک / ۲۵

ثالثا با بررسی روایاتی که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، روشن می‌شود که غیر معصومین نیز به بخشی از تاویل قرآن آگاه بوده و می‌توانند به آن دست یابند. (نک، شاکر، ۱۱۱ و ۱۱۲) بنابراین تاویل قرآن برای آنان نیز حائز است، اگر چه به تمام تاویل قرآن - به دلایلی که بررسی خواهد شد - علم ندارند.

۴-۱۰- نظر تفکیکیان در رابطه با شمول تاویل بر همه آیات قرآن، سخنی صحیح است چرا که به دلالت آیات و روایات - که البته به آنها اشاره شد و مورد توجه مکتب تفکیک بود - تاویل تنها مختص آیات متشابه نیست و سایر آیات نیز دارای تاویل هستند.

۵-۱۰- در فهم تاویل قرآن عواملی موثرند که از آن جمله می‌توان به آشنایی با زبان و سبک بیان قرآن، فهم عمیق و قوه تشخیص، قلب سلیم، علم و دانش کافی و استوار در معرفت خدا، شناخت اسباب نزول و شناخت نظرات معصومین درباره قرآن اشاره کرد. برای رسیدن به تاویل صحیح، ضوابطی وجود دارد که در صورت عدم رعایت آنها، تاویل ارایه شده ناصواب و از قبیل تفسیر به رای خواهد بود. مهمترین این ضوابط عبارتند از:

الف) رعایت مناسبت بین معنای ظاهری و باطنی، از این رو چون تاویل، عبارتست از مفهوم عام منتزع از فحوای کلام، ناگزیر درانتزاع این مفهوم، باید مناسبت لفظی یا معنوی رعایت شود. مثلا معلوم است که لفظ «ترازو» برای دستگاه سنجش وزن، وضع شده است و درآیه قرآن «واقیموا الوزن بالقسط و لاتخسرو المیزان» (الرحمن، ۹) نیز به همین معنا به کاررفته است. حال اگر لفظ ترازو را از همه قراین خارجی و زمینه‌های ذهنی جداسازیم، مفهوم عام آن روشن خواهد شد، یعنی هرآنچه که به وسیله آن چیزی را بسنجند، اعم از اینکه مادی یا معنوی باشد، از همین رو می‌بینیم که در برخی روایات نیز منظور از میزان، امام عادل بیان شده است، پس اینکه امام را میزان حق و باطل بدانیم، سخنی ناصواب نیست و این مساله بدون رجوع به روایات نیز قابل استنباط و تطبیق است و روایت در این جا مویدی بر نظر تاویل کننده خواهد بود، البته در مواردی نیز روایت وجود ندارد و باز هم به شرط عدم تعارض با اصول و مبانی و ادله قطعی، می‌توان به تاویل پرداخت.

ب) دومین شرط و ضابطه تاویل صحیح، رعایت نظم و دقت در کنار گذاشتن خصوصیات کلام مورد تاویل و تجرید آن از قراین خاصه است تا حقیقت آن در قالب مفهوم عام روشن گردد. مقصود از این شرط همان است که در منطق از آن به عنوان قانون «سبر و تقسیم» و در اصول فقه با عنوان «تنقیح مناط» تعبیر می‌شود، فقها از تنقیح مناط برای بدست آوردن ملاک قطعی و تعیین حکم شرعی استفاده می‌کنند به طوری که حکم شرعی - اعم از تکلیفی و وضعی - نفیاً و اثباتاً دایر مدار آن باشد. در واقع تنقیح مناط بدین صورت است که تمام احتمالات ممکن در علت حکم فقهی را شمارش می‌کنیم، سپس بر نفی تک تک احتمالات دلیل اقامه می‌کنیم تا اینک یک احتمال باقی بماند و همین یک احتمال، متعین شود. مثلاً گفته می‌شود، حرمت ربا در گندم یا به خاطر طعم است یا به خاطر جنبه غذایی آن و یا به خاطر مکیل بودن آن. ولی همه احتمالات فوق باطل است جز مکیل بودن، پس حرمت ربا به خاطر همان - مکیل بودن - است. کاربرد این قاعده را می‌توان در لزوم بهره‌گیری صحیح از توانمندی‌ها توسط هر انسانی و تباه نکردن آن، از آیه مربوط به موسی (ع) «رب بما انعمت علی فلن اکون ظهیراً للظالمین» (القصص، ۱۷) و همچنین در وجوب فریضه خمس و مالیات از آیه غنیمت (الانفال، ۴۱) و آیه انفاق (البقره، ۱۹۵) مشاهده کرد. (نک. معرفت، ۳۲/۱-۳۰)

۱۰-۶- درباره اینکه آگاهان به تاویل قرآن چه کسانی هستند نیز باید گفت، این آگاهان دو بخش هستند، گروهی آگاه به تمام تاویل قرآن و گروهی نیز آگاه به بخشی از تاویل قرآن می‌باشند. اما آگاهان به تمام تاویل قرآن پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) هستند که به تصریح روایات و آیات (ادله نقلی معتبر و مفید علم) این مسأله قابل اثبات است که به بخشی از آنها پیش از این اشاره شد.

از جمله روایات فراوان مربوط به این بحث (علاوه بر ادله عقلی و آیات) این حدیث است که از سماعه بن مهران نقل شده است که امام صادق (ع) فرمود: «خداوند، حلال و حرام و تاویل را به پیامبر آموخت و آن حضرت همه آنها را به علی (ع) تعلیم داد». (مجلسی، ۴۰، ۲۰۸)

تاویل قرآن در مکتب تفکیک / ۲۷

یا اینکه از برید بن معاویه در روایتی نقل شده است که امام باقر(ع) فرمود:

«جانشینان پیامبر (ص) همه تاویل قرآن را می‌دانند». (صفار، ۲۲۳)

درباره گروهی که به بعضی از تاویل‌های قرآن آگاهی دارند نیز باید گفت که در روایات گر چه علم به همه تاویل قرآن، منحصر به پیامبر (ص) و معصومین (ع) دانسته شده، ولی هیچ گاه به نحو کلی از دیگران نفی نشده است. مفهوم روایت پیامبر (ص) که: «تاویل قرآن به تمام و کمال تنها نزد علی (ع) است.» (مجلسی، ۶ / ۱۸۴) این است که دیگران نیز به بخشی از تاویل دسترسی دارند. در جایی دیگر نقل شده که پیامبر به امیر مومنان فرمود: «بعد از من مردم را به آن بخش از تاویل قرآن کریم که فهم آن بر آنها مشکل است، آگاه ساز.» (همانجا، ۲۳ / ۱۹۵) بنابراین روایت، بخشی از تاویل را خود مردم می‌فهمند و فهم بخشی از آن بر آنها مشکل است. البته قطعاً مردم در درک تاویل قرآن یکسان نیستند و هر یک به میزان علم و دانش خود، تاویل را درک می‌کنند و علاوه بر آن، این تاویل‌های غیر معصومین، نباید در تعارض با ادله نقلی و عقلی قطعی باشد. (نک. شاکر، ۱۳۹-۱۴۰)

ناگفته نماند که صرف نظر از ادله نقلی، عقل نیز تایید می‌کند که در صورت اختصاص علم تاویل به معصومان و عدم بهره دیگران از تاویل - حتی بخشی از تاویل - مفهوم بسیاری از آیات پوشیده می‌ماند و باید آنها را تعطیل کرد که این مساله با اصل قابل فهم بودن قرآن برای همگان - ولو در مرتبه‌ای - و تفسیر پذیر بودن آن و نور و تبیان بودن قرآن و دعوت به تدبر و تفکر در آن تناقض دارد.

۱۰-۷- به رغم وجود تاویل‌های ناروا و اشتباه در آثار برخی از مفسران و دانشمندان، باید گفت که در برخی از این گونه آثار، آنچه به عنوان تاویل ذکر می‌شود، تفسیر مصطلح آیه نیست، بلکه تفسیر ذوقی و انفسی آیات است، به این معنا که آیه را بر این معنا نیز می‌توان تطبیق داد، نه تفسیر کرد. اینکه در آیه «اذهب الی فرعون انه طغی» (طه، ۲۰) می‌گویند «اذهب» خطاب به عقل است که برو نفس اماره خود را که فرعون درون است،

اصلاح کن، این یک تطبیق است، نه تفسیر معنای ظاهری آیه. در واقع این گونه تاویل‌ها نتیجه برخی حالات عرفانی و واردات قلبیه‌ای است که به آنان دست داده است و برای آنان چنین نمودار گشته که آیا تحمل تطبیق بر آن حالات و واردات را دارد. گرچه اذعان دارند که از حدود معنای ظاهری آیه نمی‌توان تخطی کرد. (نک. جوادی آملی، ۲۲۳-۲۲۶)

البته گفتنی است که این گونه تاویل‌ها اگر در تعارض با ادله عقلی و نقلی قطعی نباشند نیز تنها به عنوان یک احتمال می‌توانند مورد توجه قرار گیرند و مفید علم و یقین نیستند، وگرنه در صورت تعارض و تناقض، باطل خواهند بود.

۱۱- نتیجه مقاله

مکتب تفکیک تعریف دقیق و فراگیری از مفهوم تاویل ارایه نمی‌دهد، در مساله جواز و امکان تاویل قرآن نمی‌توان این جواز و امکان را تنها به خدا و معصومان منحصر کرد، بلکه دیگران نیز مرتبه‌ای از آن را می‌توانند دریابند. آگاهان به تاویل قرآن نیز بر این اساس دو گروه‌اند گروه اول یعنی معصومان (ع) که همه تاویل را می‌دانند و گروه دوم یعنی انسان‌های عادی که بخشی از تاویل قرآن را می‌توانند بفهمند. برای فهم تاویل قرآن عواملی موثر و ضوابطی لازم‌الاتباع وجود دارد که در صورت توجه و رعایت آنها می‌توان به تاویل صحیح دست یافت. تاویل‌هایی باطل و نارواست که در تعارض و تناقض با ادله قطعی عقلی و نقلی باشد و در غیر این صورت سایر تاویل‌هایی که طبق ضوابط و اصول صحیح انجام می‌شوند، حداقل به عنوان یک احتمال می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. البته شمول تاویل بر همه آیات قرآن و اینکه فهم همه تاویل قرآن منحصر به پیامبر (ص) و معصومان (ع) است، از جمله نظرات صواب و درستی است که در مکتب تفکیک مطرح است، ضمن اینکه توجه بیش از پیش به متون دینی به ویژه احادیث و روایات در این مکتب، با در نظر گرفتن ضوابطی می‌تواند مثبت ارزیابی شود.

کتابشناسی

- ۱- ابن عربی، محی الدین، تفسیر القرآن الکریم (تاویلات القرآن)، تحقیق مصطفی غالب، (منسوب به ملاعبدالرزاق کاشانی)، چاپ اول، بیروت، دارالاندلس، ۱۳۵۷ هـ.ش.
- ۲- اصفهانی، میرزا مهدی، رسائل شناخت قرآن، تحقیق و تعلیق حسین مفید، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- ۳- همو، ابواب الهدی، تحقیق و تعلیق حسین مفید، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۴- ایازی، سید محمدعلی، نگاهی به تفسیر مناہج البیان و مولف گرانقدر آن، بینات، شماره ۱۸، سال پنجم، تابستان ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۵- ارشادی نیا، محمدرضا، مبانی فهم متون دینی از نگاه مکتب تفکیک، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۶- انصاری، شیخ مرتضی، فراندالاصول، چاپ یازدهم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۱ هـ.ق.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۸- حکیمی، محمدرضا، اجتهاد و تقلید در فلسفه، چاپ پنجم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۹- همو، مبانی تفسیر در مکتب تفکیک، مقدمه تفسیر مصباح الهدی، جلد اول، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- ۱۰- همو، مکتب تفکیک، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۱- خدایاری، علی نقی، نقد و بررسی مبانی و روش تفسیری مناہج البیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، قم، دانشگاه قم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۱۲- رشید رضا، سید محمد، تفسیرالقرآن‌الحکیم (المنار، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه)، بی‌تا.
- ۱۳- رجیبی، محمود و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعات و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- ۱۴- شاکر، محمد کاظم، روش‌های تاویل قرآن، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ هـ.ش.
- ۱۵- صفار (قمی)، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد ش، چاپ اول، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۳۶۲ هـ.ش.

۴۰ / پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره نهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)

- ۱۶- طباطبایی، سید محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن ق، چاپ سوم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ هـ.ق.
- ۱۷- قیصری رومی، محمد داود، شرح فصوص الحکم، تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۱۸- گندمی، حمید سلیم، نگاهی به علوم قرآنی بر اساس تفسیر مناہج البیان، سفینه، شماره ۱، سال اول، زمستان ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲۰- مسعودی، محمد مهدی، نقد گونه‌ای بر مکتب تفکیک در زمینه تفسیر قرآن، مشکوه، شماره ۹۸، بهار ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۲۱- معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، چاپ چهارم، قم، موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۲۲- ملکی میانجی، محمدباقر، نگاهی به علوم قرآنی، ترجمه علی نقلی خدایاری، به اهتمام علی ملکی میانجی، چاپ اول، قم، نشر خرم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۲۳- همو، مناہج البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ هـ.ق، تنظیم محمد بیابانی اسکویی، اشراف حسین درگاهی، تصحیح عزیز آل طاب، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۲۴- همای، عباس، تفسیر و تاویل (بخش نخست)، پژوهش دینی، شماره ۲، سال اول، پاییز ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۲۵- همو، عباس، تفسیر و تاویل (بخش دوم)، پژوهش دینی، شماره ۳، سال اول، زمستان ۱۳۸۰ هـ.ش.